

## تبیین تئوریک پاسخ به جرائم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب

(مقاله علمی-پژوهشی)

نبی‌اله غلامی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

### چکیده

به‌رغم تنوع ادبیات جرم‌شناختی در قلمرو جرم حکومتی، مفهوم «پاسخ‌دهی» به این جرائم کمتر مورد توجه واقع شده است. از مهم‌ترین رویکردهای مفهومی موجود در این زمینه می‌توان به رویکرد پنج‌عاملی کامفورت، رویکرد کنترل نهادهای جرم‌زای حکومت، رویکرد شش‌عاملی گرابوسکی و رویکرد جامعه مدنی روث و فردریکس اشاره کرد. غالب این رویکردها به دلایلی نظیر انتزاعی بودن، فقدان کارکرد عینی، تمرکز عمده به اشخاص و مقامات حکومتی- به جای تمرکز بر حکومت به‌عنوان یک کل- ضعف تئوریک و عدم امکان سنجش نتایج و دستاوردها، در عمل نتوانسته‌اند رویکرد نظام‌مندی را درخصوص کنترل و پاسخ‌دهی به جرم حکومتی ارائه دهند. در این نوشتار با روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن نقد و بررسی هر یک از این رویکردها، سعی شده است تا الگوی مطلوب برای پاسخ‌دهی به این نوع جرایم ارائه شود. درنهایت چنین نتیجه‌گیری شده است که الگوی حکمرانی مطلوب با کاربست مؤلفه‌های مندرج در آن نظیر شفافیت، حکومت قانون، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌خواهی و مطالبه‌گری، از شاخصه‌های یک الگوی موثر و کارآمد برخوردار بوده و پیش‌نیاز لازم برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی است.

### کلیدواژه‌گان:

جرم حکومتی، پاسخ‌دهی، حکمرانی خوب، کنترل.

---

\* دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی  
Nabiollah.gholami@yahoo.com

## مقدمه

به‌رغم وجود تعاریف مختلف و متنوع از جرم حکومتی<sup>۱</sup> و نیز با وجود مخالفت‌هایی که با پذیرش مسئولیت کیفری حکومت‌ها می‌شود، با این حال امروزه این نظر پذیرفته شده که حکومت به‌عنوان یک موجود، برخوردار از حقوق شخصی و موضوع مسئولیت کیفری است.<sup>۲</sup> از این رو ذیل مسئولیت کیفری حکومت‌ها، به دو حوزه مسئولیت انحصاری مقامات حکومتی (به‌عنوان مقامات مسئولین ارتکاب جرم حکومتی) و مسئولیت انحصاری حکومت توجه شده است.<sup>۳</sup> هرچند به دلایلی نظیر علاقه حکومت‌ها به حفظ حاکمیت خود و فقدان یک مرجع بین‌المللی فراتر از حکومت‌ها و ...، مسئولیت انحصاری حکومت‌ها به‌طور صریح در سطح محاکم بین‌المللی مورد پذیرش قرار نگرفته است.<sup>۴</sup> با این حال این مسئله موجب نمی‌شود ارتکاب جرم توسط حکومت‌ها را ممتنع بدانیم؛ چراکه اصل ارتکاب جرم و اعمال مسئولیت کیفری دو موضوع علی‌الحده است و فقدان وجود مقرره کیفری برای مجازات یک رفتار تأثیری در قبح ذاتی آن رفتار ندارد. به‌علاوه ذیل مبحث جرم حکومتی، بیش از آنکه به جرم در مفهوم دقیق حقوقی آن توجه شود، به آسیب یا حداقل آسیب‌های مخل به حقوق بشری شهروندان توجه می‌شود،<sup>۵</sup> ولو اینکه الزاماً جرم در مفهوم دقیق حقوقی را شامل نشود. از این رو پذیرش حکومت به‌عنوان موجود برخوردار از حق و

۱. State Crime: جرم حکومتی مفهومی است که به‌رغم وجود توافق در اصل وقوع آن، در تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد. از مهم‌ترین علل وجود این اختلاف‌نظر، تفاوت در نگرش به مفهوم «جرم» و نیز اختلاف‌نظر در میزان وظایف و اختیارات حاکمیت و ساختار رسمی یک کشور است. با این حال، با توجه به اینکه نوشتار حاضر به‌طور خاص بر مفهوم حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی برای کنترل جرم حکومتی تمرکز دارد، از این رو مفهوم جرم حکومتی را فرض گرفته و بیان مفهوم دقیق این جرم و وجوه تفاوت و تشابه آن با عناوین مشابه (نظیر جرم دولتی، جرم کارگزاران حکومتی/دولتی و ...) را به نوشتار دیگر موقوف می‌نماییم. برای مشاهده برخی از این تعاریف رک: غلامی، نبی‌اله و محمود عباسی، **درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی**، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره هفتم، ۱۳۹۶، شماره ۲۴، صص ۸۳-۹۷.

۲. روث، داون ال و دیوید کازلاریچ، **بزه‌دیده‌شناسی جرم حکومتی**، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۹.

۳. غلامی، نبی‌اله، «پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب»، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸.

۴. باقرزاده، محمد رضا، **بחי درباره مسئولیت کیفری دولت**، فصلنامه معرفت، ۱۳۷۹، شماره ۳۶، ص ۴۳.

۵. روث، داون ال و دیوید کازلاریچ، **پاسخ به جرم حکومتی**، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۰.

تکلیف که قابلیت کنشگری کیفری و امکان ارتکاب جرم را دارا است، بالتبع این امکان را فراهم می‌سازد که بتوان همانند سایر اشخاص دارای حق و تکلیف - اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی - حکومت را نیز به مثابه شخص حقوقی حقوق عمومی موضوع بحث‌های مختلف جرم‌شناختی قرار داد. پاسخ‌دهی به جرم حکومتی یکی از این مباحث است.

دیدگاه‌های مطروحه در قلمرو پاسخ‌دهی به جرم حکومتی را می‌توان ذیل دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد: نخست، دیدگاه‌هایی هستند که به بحث درخصوص اصل پذیرش امکان یا عدم امکان پاسخ‌دهی به جرم حکومتی می‌پردازند. دیدگاه‌های موجود در این حوزه را می‌توان به نفی امکان پاسخ‌دهی به جرم حکومتی به دلایلی نظیر عدم وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای در قوانین، قائل شدن شأن فرازمینی برای حکومت و در نتیجه عدم تصور ارتکاب جرم از سوی حکومت و نیز دشواری پاسخ‌دهی به جرم حکومتی به دلایلی نظیر ماهیت نهادهای حکومتی،<sup>۱</sup> در اختیار داشتن منابع و امکانات گسترده<sup>۲</sup> دسته‌بندی کرد؛ دوم، دیدگاه‌هایی که به بحث پیرامون موانع پاسخ‌دهی به جرم حکومتی، سازوکارها و چالش‌های اجرایی آن می‌پردازند. با توجه به گستردگی مباحث ذیل این قلمرو، در این نوشتار صرفاً به بررسی دیدگاه دوم در زمینه رویکردهای نظری موجود و سازوکارهایی با قابلیت اجرا در حوزه پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی خواهیم پرداخت. از این رو سعی شده است تا با نقد رویکردهای موجود، رویکردی عمل‌گرایانه و عینی در این خصوص ارائه شود. با این حال، قبل از ورود به بحث، ذکر چند نکته در خصوص پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی ضروری به نظر می‌رسد.

نخست، مکانیسم‌های پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی نباید به‌گونه‌ای باشند که ماهیت پرسوشال<sup>۳</sup> حکومت‌ها را مختل کند؛<sup>۴</sup> زیرا این امر با هدف اصلی پاسخ‌دهی به/ پیشگیری از

۱. نظیر چنین رویکردی را در تبصره ذیل ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان مشاهده کرد که طبق آن: «مجازات‌های موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود». تمرکز این تبصره بر اعمال حاکمیتی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی، نشانگر این است که مقنن اعمال مجازات بر چنین نهادهایی را با ماهیت حاکمیتی این نهادها در تضاد دانسته است.

2. Wilson, James Q., and Patricia Rachel (1977). Can the Government Regulate Itself. The Public Interest 46, pp 3-14.

3. Prosocial

4. Ross, JI (2014), Controlling State Crime: Toward an Integrated Structural Model. Controlling State Crime. Second Edition. Edit By Jeffrey Ian Ross, Routledge, London and New York, p 4.

جرایم حکومتی - که همان پیشگیری از آسیب‌رسانی به شهروندان و نقض حقوق آنان است - در تعارض قرار دارد؛ دوم، با توجه به تأثیرپذیری اختیارات و تکالیف حکومت‌ها و نیز نوع جرایم حکومتی از ساختار حکومت‌ها،<sup>۱</sup> طبیعتاً پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، تا حد زیادی مسئله‌ای سیاسی و وابسته به فرهنگ و اقتضائات داخلی هر کشور خواهد بود. باین‌حال، جهت امکان ارائه‌ی الگویی یکپارچه در خصوص پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، از مفهوم قدرت عمومی<sup>۲</sup> به‌عنوان مشخصه‌ی بارز حکومت‌ها استفاده می‌کنیم و حکومت را نهادی می‌دانیم که حاوی قدرت عمومی است که این قدرت شامل پرسنل سازمان‌یافته و مجهز برای استفاده از زور، ابزارهای اعمال قدرت، زندان‌ها، انواع نهادهای اعمال‌کننده اجبار و سازمان‌های مالی است.<sup>۳</sup> هرچند نویسندگان این نوشتار برخلاف رویکرد دورکیم جرم را امری بهنجار نمی‌دانند،<sup>۴</sup> باین‌حال، این نکته را نیز نمی‌توان به‌طور کامل نادیده گرفت که به‌هرحال همیشه سطحی از جرم در جوامع وجود دارد. به همین دلیل است که امروزه برخلاف دهه‌های قبل به جای صحبت از پیشگیری،<sup>۵</sup> از کنترل<sup>۶</sup> و در مفهوم کلان‌تر از پاسخ (اعم از حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ...) به جرم حکومتی سخن گفته می‌شود. باوجوداین و با لحاظ این نکته که ادبیات موجود در قلمرو کنترل و پاسخ‌دهی به جرم حکومتی یکسان است و این اصطلاحات در موارد متعدد در یک معنا به‌کار رفته‌اند، بنابراین در این نوشتار نیز پاسخ‌دهی در معنای عام که هم شامل پیشگیری در مفهوم متداول و هم کنترل از گذر پاسخ‌دهی در مفهوم امروزی است، به‌کار برده شده است.

۱. علت این امر این است که نوع، ماهیت و مبانی هر حکومت، موجب تعیین اهداف و کارکردهای آن حکومت می‌شود، به عنوان مثال در حکومت‌های تئولیرالی مانند ایالات متحده و انگلیس، به علت تمرکز بر بازار آزاد و قدرت فراوان شرکت‌های تجاری، جرایم حکومت - شرکت‌ها به وفور ارتکاب می‌یابد، در حالی که در حکومت‌های اقتدارگرایی مانند عراق عصر صدام، شاهد شکنجه و ترور حکومتی هستیم. در این خصوص رک: گرین، پنی و تونی وارد، **جرم حکومتی؛ دولت‌ها، خشونت و فساد**، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۰.

2. Public Power

۳. همان، ص ۲۰.

۴. برای مشاهده علت عدم پذیرش بهنجار بودن جرم رک: غلامی، حسین و غلامی، نبی‌اله، **جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران)**، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، ۱۳۹۹، شماره ۲، ص ۴۹۸.

5. Prevention

6. Control

با در نظر گرفتن مباحث مطرح شده، در این نوشتار، نخست به بیان و نقد رویکردهای موجود در قلمرو پاسخ‌دهی به جرم حکومتی خواهیم پرداخت (۱). در ادامه و در راستای الگوسازی بهینه برای پاسخ‌دهی به این نوع جرایم، مهم‌ترین الگو و شاخصه‌های مورد نیاز آن ارائه خواهد شد (۲).

### ۱. رویکردهای مفهومی در خصوص پاسخ‌دهی به جرم حکومتی

قبل از ارائه و بررسی رویکردهای مفهومی ارائه شده در خصوص پاسخ‌دهی به جرم حکومتی، ذکر این نکته ضروری است که اساس پاسخ‌دهی به / پیشگیری از جرایم حکومتی، مقابله با رفتارهای آسیب‌زای حکومت‌هاست که محل حقوق بشری شهروندان هستند. از این رو برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومت‌ها، لزوماً نیازی به جرم‌انگاری رفتارهای آن‌ها نیست. با این حال، به دلیل امکان پاسخی جامع به جرایم حکومتی، با در نظر گرفتن رویکردهای حقوقی، جرم‌شناختی و آسیب‌اجتماعی‌شناسی و با اختیار نمودن رویکردی تلفیقی به جرم حکومتی، تعریف «انحراف سازمانی و سیستماتیک حکومت که متضمن نقض حقوق شهروندان است»،<sup>۱</sup> به عنوان تعریف مدنظر از جرم حکومتی مورد پذیرش قرار گرفته است. هرچند می‌توان با تلقی حقوقی صرف از مفهوم جرم، تعریف «ارتکاب جرایم مصرح در قوانین توسط حکومت به شکل سازمان‌یافته و سیستماتیک» را به عنوان تعریف حقوقی از جرم حکومتی در نظر گرفت. با این حال با توجه به ارجح بودن تعریف تلفیقی از این مفهوم، در این نوشتار، جرم حکومتی با تعریف ارائه شده از آن، ذیل رویکرد تلفیقی مدنظر قرار گرفته است.

#### ۱.۱. رویکرد پنج عاملی کامفورت

هرچند از عمر مفهومی تحت عنوان جرم حکومتی، کمتر از سه دهه می‌گذرد با این حال، از دهه‌های قبل جرم‌شناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی، سعی در پیشگیری از رفتارهای مخاطره‌آمیز و آسیب‌زای حکومت‌ها و پاسخ‌دهی به آنها را داشته‌اند. یکی از نخستین افراد در این حوزه، کامفورت<sup>۲</sup> است که می‌توان تلاش‌های او را نخستین تلاش‌های صورت گرفته در زمینه ارائه الگوی نظری برای کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی دانست. از منظر وی، بزهکاری

۱. غلامی، حسین و نبی‌اله غلامی، خوانشی تلفیقی از مفهوم جرم و نقش آن در کاربست تدابیر پیشگیرانه برای جرایم حکومتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، ۱۳۹۹، شماره ۸۹، ص ۴۷.

2. Comfort

حکومت‌ها در دو سطح آسیب‌شناسی روانی عمومی<sup>۱</sup> (سطح کلان) و روان‌آزاری (سایکوپاتی) فردی<sup>۲</sup> (سطح خرد) ایجاد می‌شود.<sup>۳</sup> هرچند کامفورت منظور خود را از آسیب‌شناسی روانی عمومی به دقت تبیین نکرد، با این حال، دقت در مفهوم این اصطلاح و بررسی نظرات او نشان می‌دهد که منظور او چیزی است که دورکیم آن را بی‌هنجاری نامید که به معنای فقدان هنجارها و معیارهای رفتاری خاص در جامعه است.<sup>۴</sup> منظور از روان‌آزاری یا به تعبیر امروزی «شخصیت ضد اجتماعی»<sup>۵</sup> اختلالی است که شخص مبتلا به آن دارای سوءرفتارهایی نظیر دروغ‌گویی‌های بیمارگونه و افراطی، فریب‌دادن دیگران و سوءاستفاده از آنها، نداشتن حس همدلی، احساسات و هیجانات سطحی و ... است.<sup>۶</sup> از این رو و با در نظر گرفتن این دو سطح، کامفورت علل وقوع بزهکاری در سطح حکومت‌ها را این موضوع می‌داند که بزهکارانی (با ویژگی روان‌آزاری) موقعیت‌های دارای قدرت سیاسی را اشغال می‌کنند که مستعد برای بزهکاری است<sup>۷</sup> و این مسئله در نهایت به ورود آسیب روانی به کل ساختار حکومت و بالتبع جامعه، منجر خواهد شد.

با توجه به علت‌شناسی خاص کامفورت از بزهکاری حکومت‌ها، او راهکارهایی نظیر انقلاب علیه حکومت‌های بزهکار، اعمال مجازات از طریق جامعه جهانی و مواردی از این دست را نمی‌پذیرد و در مقابل رویکردی پنج عاملی ارائه می‌نماید که براساس آنها می‌توان نسبت به کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومت‌ها اقدام کرد. آموزش،<sup>۸</sup> بررسی زندگی جمعی و کنترل منابع،<sup>۹</sup> فشار به منظور از بین بردن کنترل واحدهای بزرگ و تمرکززدایی از آنها،<sup>۱۰</sup> تبلیغات برای

1. Psychopathology of publics
2. Psychopathy of individuals
3. Comfort, Alex (1950) *Authority and Delinquency in the Modern State*. London: Routledge and Kegan Paul. P. 109.
۴. ویلیامز، فرانک پی و مارل لین دی مک شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵.
5. Antisocial Personality
۶. انجمن روان‌پزشکی آمریکا، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*، ترجمه فرزین رضاعی، سیدعلی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوفری، ژانت هاشمی آذر و فرهاد شاملو، تهران: انتشارات ارجمند، ۱۳۹۳، ص ۵۷.
7. Comfort, 1950, p 20.
8. Education
9. Experiments in communal living and control of resources
10. Pressure towards controlled break-up of large city aggregates with decentralization of large units.

معرفی جامعه‌گرایی به مکان‌هایی که شکل‌گیری شخصیت در آن رخ می‌دهد<sup>۱</sup> و روانپزشکی شخصی<sup>۲</sup>، پنج راهبرد کلانی هستند که ذیل نظریه کامفورت ارائه شده است.<sup>۳</sup>

هرچند رویکرد کامفورت از نظر توجه به نقش شخصیت افراد و مقامات حکومتی در شکل‌گیری جرایم حکومتی قابل توجه است، با این حال به نظریه او ایراداتی وارد است که در عمل موجب عدم کارایی آن شده است. نخستین ایراد، توجه بیش از حد او بر اشخاص - و نه بر حکومت به عنوان یک کل - است. او پیشنهاد می‌کند که بخش عمده انرژی ما باید بر شخص متمرکز باشد. به طور خاص، اشخاصی که «سیاست حکومت را ایجاد می‌کنند» و اشخاصی که از این سیاست‌ها حمایت می‌کنند.<sup>۴</sup> این مسئله باعث تنزل نظریه او تا حد یک نظریه خرد می‌شود که حداکثر قادر به تبیین جرایم کارگزاران حکومتی است، نه جرایم حکومت به مثابه یک واحد یا یک کل. به علاوه حتی در همین سطح خرد نیز توجه خاص او به علل روان‌شناختی سبب غفلت از سایر علل ارتکاب جرم، و عملاً موجب می‌شود نظریه او تنها قابلیت کاربرست در خصوص طیف محدودی از کارگزاران حکومتی را داشته باشد. همچنین این تأکید خاص بر علل روان‌شناختی، کار او را در حد یک نظریه تک‌بعدی روان‌شناختی تقلیل می‌دهد و یقیناً محدود نمودن علل ارتکاب جرم به عوامل روان‌شناختی صرف، نوعی ساده‌اندیشی است. نکته دیگر در این خصوص اینکه، بنا به نظر برخی منتقدان، رویکرد کامفورت اساساً قادر به ارائه یک الگو یا نظریه در خصوص جرم حکومتی نیست؛<sup>۵</sup> زیرا نه تنها وجوه مختلف جرایم حکومتی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه اساساً بین مفاهیم جرم حکومتی و جرم کارگزاران حکومتی تفاوتی قائل نشده است. در نهایت اینکه طرح پیشنهادی کامفورت قابلیت اجرا و راستی‌آزمایی ندارد و به همین سبب است که نتوانسته به عنوان الگوی عملی به کار گرفته شود.

## ۱.۲. رویکرد کنترل نهادهای جرم‌زای حکومت

از نظر سیر تاریخی، دومین رویکرد مهم به مقوله کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، رویکرد کنترل نهادهای جرم‌زای حکومت است. یکی از مشهورترین رویکردها در این قلمرو،

1. Propaganda to introduce sociality into the places where character formation takes place.

2. Individual psychiatry

3. Comfort, 1950, pp 105-107.

4. Comfort, 1950, p 90.

5. Ross, 2014, p 8.

رویکرد هورویتز<sup>۱</sup> است. از دیدگاه او، هر حکومت صرف‌نظر از نوع، مینا، ماهیت و کارکرد آن دارای نهادهایی است که ماهیتاً جرم‌زا می‌باشند و برای پیشگیری از جرایم حکومت باید بر کنترل و پاسخ‌دهی به نهادهای جرم‌زای آن تمرکز کرد.<sup>۲</sup> این نهادهای جرم‌زا عبارت‌اند از واحدهای نظامی، سازمان‌های امنیتی و واحدهای پلیسی. راهکار هورویتز برای اعمال کنترل و نظارت بر این نهادهای جرم‌زا، استفاده از نهادهای بین‌المللی نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، عفو بین‌الملل و ... است.<sup>۳</sup> در رویکردی مخالف با رویکرد هورویتز، کلمان و هامیلتون<sup>۴</sup> هرچند اصل وجود نهادهای جرم‌زای حکومت را می‌پذیرند، معتقدند راهکار پیشگیری از جرایم این نهادها، ارائه راهبردهایی است که عادت اطاعت بدون قید و شرط را از اذهان کارگزاران حکومتی بزدايد.<sup>۵</sup> این دو معتقدند که ماهیت جرایم حکومتی به‌صورت دستوری و از بالا به پایین است؛ از این رو برای از بین بردن دستورهای منتج به جرم حکومتی، کارگزاران حکومتی نباید مطیع بی‌قید و شرط دستورات مافوق خود باشند.<sup>۶</sup> در کنار این نظریه‌پردازان، برخی دیگر نیز به صورت موردی پیشگیری از برخی جرایم خاص نهادهای حکومتی را مدنظر قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، برخی کنترل فساد و نهادهای فاسد و برخی نیز پاسخ‌دهی و مجازات مرتکبان جرایمی نظیر نسل‌کشی - به‌عنوان یک جرم حکومتی - را مورد توجه قرار داده‌اند.

نخستین ایرادی که به این رویکرد وارد است، محدودنمودن جرایم حکومتی به یک یا چند نهاد خاص، و به‌طور ویژه به نهادهای نظامی و امنیتی است. هرچند نمی‌توان منکر این واقعیت شد که امروز این نهادها، در زمره مرتکبان بیشترین و خشن‌ترین نوع جرایم حکومتی هستند.<sup>۷</sup>

1. Hurwitz

2. Hurwitz, Leon (1981), The State as Defendant. Westport, CT: Greenwood Press. P.23.

3. Hurwitz, 1981, p 58

4. Kelman and Hamilton

5. Kelman, Herbert C , and V. Lee Hamilton. 1989. Crimes of Obedience. New Haven, CT: Yale University Press, p 52.

۶. در این خصوص بند ب ماده ۱۵۸ و ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی قابل توجه هستند. طبق بند ب ماده ۱۵۸ «در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد»، حتی اگر رفتار ارتكابی طبق قانون جرم محسوب شود، قابل مجازات نیست. طبق ماده ۱۵۸ نیز: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود امر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند. لکن مأموری که امر امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمانت تابع مقررات مربوطه است».

۷. گرین، پنی و تونی وارد، پیشین، صص ۲۰۴-۲۵۱.



باین حال نمی‌توان و نباید جرایم حکومتی را منحصر در اقدامات این نهادها دانست. به علاوه، این رویکرد به دلیل تمرکز خاص بر نهادهای نظامی و امنیتی در ارتکاب جرم، جرایم حکومتی را از یک جرم در سطح کل حکومت، به یک سطح پایین‌تر، یعنی سطح نهادهای حکومتی، تنزل می‌دهد و نیز باعث می‌شود این نظریه در تبیین جرایم ارتكابی توسط پروتو حکومت‌ها<sup>۱</sup> ناتوان باشد؛ زیرا اساس پروتو حکومت‌ها، مبتنی بر اقدامات خشن و بی‌رحمانه است و پیشگیری از جرایم این‌گونه حکومت‌ها، در واقع به معنای نابودسازی این حکومت‌ها است و همان‌گونه که می‌دانیم، حداقل در ادبیات جرم‌شناختی، حذف به معنای پیشگیری نیست. کارکرد نهادهای بین‌المللی برای مقابله با جرایم حکومتی نیز از این نظر قابل‌پذیرش نیست که قانون توجه نهادهای بین‌المللی که به جنبه کیفری رفتارهای حکومت توجه دارند (دیوان کیفری بین‌المللی)، معطوف به جرایم ارتکاب‌یافته توسط اشخاص (و نه حکومت به‌عنوان یک کل) است و مرکز توجه نهادهایی که به رفتارهای حکومت‌ها توجه دارند (دیوان بین‌المللی دادگستری)، معطوف به اختلاف بین کشورها است و نه جرایم ارتكابی حکومت‌ها. نکته قابل ذکر دیگر در این خصوص، غفلت این نظریه در توجه به حکومت- در مفهوم یک کل- است. به‌عنوان مثال، با لحاظ کردن این نظریه، تجاوز ایالات متحده و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، حداکثر می‌تواند جرم ارتش ایالات متحده در نظر گرفته شود و نه جرم حکومت ایالات متحده. به هر طریق این رویکردهای معطوف به نهادهای حکومتی، نیز هرچند به‌صورت موردی نکات قابل‌توجهی در خصوص پیشگیری و مقابله با جرایم حکومتی بیان کرده‌اند، باین حال، با توجه به نقدهای مطرح شده، فاقد توانایی برای تبیین جرایم حکومتی- به صورت یک مجموعه- هستند.

۱. Proto-State: این اصطلاح در ادبیات سیاسی در معانی مختلفی به کار رفته است. برخی آن را برای اشاره به حکومت‌هایی دانسته‌اند که به عنوان مستعمره زیر نظر حکومت دیگر فعالیت می‌کنند. برخی نیز آن را برای اشاره به ایالت‌های مختلف از یک کشور به کار برده‌اند که به‌رغم داشتن استقلال نسبی، زیر نظر حکومت مرکزی فعالیت می‌کنند. باین حال، کاربرد آن در قلمرو جرایم حکومتی، در خصوص گروه‌هایی (معمولاً جدایی‌طلب یا خواهان استقلال) است که بر قلمرو خاصی از یک کشور کنترل دارند، ولی فاقد ویژگی‌هایی هستند که بتوان آنها را حکومت در معنای مصطلح بین‌المللی دانست. حکومت داعش در عراق و سوریه (قبل از سرنگونی) نمونه بارزی از این نوع حکومت است (در این خصوص رک: گرین و وارد، پیشین، ص ۲۰).

### ۱.۳. رویکرد شش عاملی گرابوسکی

شاید بتوان کامل‌ترین نظریه درخصوص پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی را نظریه گرابوسکی<sup>۱</sup> دانست. نظریه‌ای که خودش آن را «یک نظریه موقت از جرم حکومتی»<sup>۲</sup> معرفی می‌کند. از نظر گرابوسکی، رفتارهای نامشروع حکومت‌ها به علت یکی از هفت عامل زیر است: نظارت خارجی ضعیف،<sup>۳</sup> فقدان قدرت بزه‌دیدگان،<sup>۴</sup> رهبری ضعیف،<sup>۵</sup> تمایل شدید به سمت هدف،<sup>۶</sup> نظارت ناکافی،<sup>۷</sup> توسعه سازمانی سریع<sup>۸</sup> و درهم شکستن ارتباطات.<sup>۹</sup> این هفت عامل در نهایت منجر به این می‌شوند که گرابوسکی «بازدارندگی، توانبخشی، پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان، محکوم کردن سوءرفتارهای ارتكابی، تأیید دوباره حاکمیت قانون و تهدید به اجرا یا اجرای واقعی مجازات‌های شدید» را نتیجه منطقی ارتكاب جرایم حکومتی بداند؛ بدین معنا که جرم حکومتی بنا به یکی از دلایل هفت‌گانه ذکر شده رخ می‌دهد و حکومت موظف است در قبال وقوع جرم حکومتی یک یا چند مورد از تدابیر ذکر شده را اتخاذ نماید.

درنهایت، براساس درک این نکته که با توجه به تنوع سوءرفتارهای رسمی، هیچ مداخله یا کنترل واحدی برای رفع این مشکل وجود ندارد، گرابوسکی، شش روش کنترل و پاسخ‌دهی به جرم حکومتی را نظارت داخلی،<sup>۱۱</sup> بازسازی سازمانی،<sup>۱۲</sup> نظارت خارجی،<sup>۱۳</sup> سوت زدن<sup>۱۴</sup> [شناساندن

1. Grabosky
2. A provisional theory of state crime
3. Weak external oversight
4. Powerlessness of victims
5. Poor leadership
6. Strong goal orientation
7. Inadequate supervision
8. Rapid organizational expansion
9. Communications breakdown
10. Grabosky, Peter N . (2005) Wayward Governance: Illegality and Its Control in the Public Sector. Canberra: Australian Institute of Criminology. pp. 199- 294.
11. Internal oversight
12. Organizational redesign
13. External oversight

۱۴. Whistleblowing: در سال ۱۹۸۹ در آمریکا قانونی به نام «قانون حفاظت از رسواکننده» تصویب شد که براساس آن، رسواکننده (افشاکننده) فساد در پناه قانون قرار می‌گیرد. این قانون مانع از این می‌شود که دولت آمریکا بتواند افراد افشاگر را که فساد را در سیستم حکومتی و دولتی اعم از رشوه یا اختلاس و یا هر سوءاستفاده دیگر دیده‌اند و به نحوی افشا کرده‌اند، از کار اخراج کند یا برای آنها ایجاد مزاحمت کند. به‌علاوه پس از رسیدگی قضایی و اثبات فساد و محکوم شدن فرد فاسد، دولت آمریکا باید به میزان حداقل ۱۵ درصد جریمه‌ای را که از فرد فاسد می‌گیرد، به فرد افشاگر بپردازد. به این افراد پلیس سوت‌زن (Whistler) گفته می‌شود.

و افشا کردن]، پیگیری کیفری،<sup>۱</sup> دعوی مدنی<sup>۲</sup> و دموکراسی مشارکتی<sup>۳</sup> بیان و هریک از این راهکارها را در پاسخ به یک یا چند مورد از دلایل ارتکاب جرم حکومتی ارائه می‌نماید. با این حال، رویکرد اخیر نیز مورد انتقادهای جدی قرار گرفته است. نخستین نقد به این رویکرد این است، هفت موردی که به‌عنوان علت جرم حکومتی ذکر شده‌اند، تا حد بسیاری مبهم و استثناپذیرند و جرم حکومتی را در جوامع غیرغربی توضیح نمی‌دهند. همچنین حتی اگر این هفت علت را بپذیریم، باز هم این سؤال مطرح است که چرا راهکارهای شش‌گانه ارائه‌شده با این علل منطبق نیستند.<sup>۴</sup> به‌عنوان مثال، راهکار مقابله با «نظارت خارجی ضعیف»، تقویت این نوع از نظارت و استفاده از «نظارت خارجی قوی» است و نه پیشنهاد نظارت داخلی. نهایتاً اینکه راهکارهای ارائه‌شده توسط او، قابل‌سنجش نیست و صرفاً مبنای نظری دارند؛ از این‌رو قابل‌تعمیم به همه جوامع و حکومت‌ها نمی‌باشد.<sup>۵</sup>

با وجود نقدهای مطرح‌شده، نمی‌توان از ارزش تئوریک نظریه گرابوسکی به‌سادگی گذشت. نکته مهم درخصوص نظریه وی، توجه هم‌زمان به عوامل نظارتی داخلی و عوامل نظارتی خارجی است. امری که (همان‌گونه که خواهیم دید) در راهبردهای حکمرانی خوب هم بدان پرداخته شده است. همچنین تمرکز او به نقش شهروندان در کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی (با راهکار سوت زدن و دموکراسی مشارکتی) تا حد زیادی نظریه وی را به نظریه جامعه مدنی روث و فردریکس شبیه می‌کند.

#### ۱.۴. رویکرد جامعه مدنی روث و فردریکس

از نظر بسیاری از جرم‌شناسان، تنها راهکار ممکن و عملی برای مخالفت و پاسخ‌دهی به جرایم حکومت‌ها جامعه مدنی است.<sup>۶</sup> برخی نیز با بررسی حمله ایالات متحده و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، ذیل عنوان جرایم حکومتی، اینگونه بیان داشته‌اند، تنها عاملی که می‌تواند

1. Criminal prosecution
2. Civil litigation
3. Participatory democracy
4. Ross, 2014, p 8.
5. Ross, 2000, p 10.

۶. روث، داون ال و دیوید او فردریکس، *جرایم جهانی‌شدن؛ جرم حکومتی و نهادهای مالی بین‌المللی*، ترجمه نبی اله غلامی و علی غلامی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۹، ص ۲۴.

از این قبیل حملات در آینده پیشگیری کند، ترس این حکومت‌ها از فشار جامعه مدنی بر آنها است.<sup>۱</sup> روث و فردریکس در کتاب مشهور خود با عنوان جرایم [مرتبط با] جهانی شدن<sup>۲</sup> اینگونه بیان کرده‌اند که امروزه، فعالان عدالت جهانی، تنها نهادهای اصلی پاسخگو کننده حکومت‌ها بوده<sup>۳</sup> و با تقویت این نهاد است که می‌توان به پیشگیری از جرایم حکومت‌ها امیدوار شد. از نظر روث و فردریکس، سازمان‌های غیردولتی از اجزای مهم جامعه مدنی هستند<sup>۴</sup> که به علت ماهیت سازمان‌دهی شده، دوری از مراکز قدرت رسمی، امکان ارتباط مستقیم با توده شهروندان و نداشتن نفع اقتصادی در برنامه‌های خود، ابزاری مناسب برای کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی هستند. به‌رغم اینکه نمی‌توان از آثار مثبت جامعه مدنی (در سطح داخلی و بین‌المللی) در پیشگیری، کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومت‌ها چشم‌پوشی کرد، با این حال بر این رویکرد نیز نقدهایی وارد شده است. نخستین نقدی که توسط خود ارائه‌دهندگان رویکرد جامعه مدنی در پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی مطرح شده، این است که مطابق نظر برخی نظریه‌پردازان، یکی از اساسی‌ترین مشکلات مطالعه جرم حکومتی - حداقل در خصوص جرایمی نظیر فساد یا شکنجه - ماهیت پنهان و خارج از دید عموم و رسانه‌ها بودن آن است.<sup>۵</sup> در این مورد انتظار آگاهی عمومی و بسیج جامعه علیه چنین جرایمی تا حدی دور از ذهن است.<sup>۶</sup> دیگر نقد وارد بر این رویکرد، انتزاعی بودن و عدم امکان سنجش عینی آثار آن است. به‌علاوه سؤال اصلی مطرح در این خصوص این است که این رویکرد، پاسخی برای کشورهایایی که فاقد جامعه مدنی هستند یا جامعه مدنی ضعیف و غیرسازمان‌یافته دارند، ارائه نمی‌دهد. البته در پاسخ به نقد اخیر، روث و فردریکس بر ارتباط متقابل جرایم حکومتی و جامعه مدنی تأکید داشته‌اند. از نظر این دو، در هر کشوری که با فقدان جامعه مدنی مواجه باشیم، انتظار وقوع جرم حکومتی امری محتمل خواهد بود و در مقابل با وجود جامعه مدنی، امکان وقوع جرم حکومتی به حداقل کاهش خواهد یافت. درواقع روث و فردریکس، جامعه مدنی و جرم حکومتی را دو امر متناقض می‌دانند که با وجود یکی امکان وجود

۱. گرین و وارد، پیشین.

2. Crimes of Globalization

۳. روث و فردریکس، پیشین، ص ۱۰۸.

۴. همان، ص ۲۵.

5. Barak, Gregg (1990), "Crime, Criminology and Human Rights: Towards an Understanding of State Criminality", *Journal of Human Justice* 2,1 (Autumn): p 15.

۶. همان، ص ۷۳.

دیگری ممتنع یا دست‌کم حداقلی است. بدین خاطر است که این دو تأکید می‌کنند که ایجاد یا تقویت جامعه مدنی، نه به‌عنوان یک راهکار صرف برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، بلکه به‌عنوان عامل اصلی کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی قابل بررسی است. به همین دلیل معتقدند در جوامعی که جامعه مدنی قوی دارند، جرم حکومتی به حداقل ممکن می‌رسد و در جوامع فاقد جامعه مدنی، تشکیل جامعه مدنی مهم‌ترین راهبرد کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی است.<sup>۱</sup>

## ۲. الگوی مطلوب برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی

با بررسی رفتارهای مخاطره آمیز و آسیب‌زای حکومت‌ها و در نظر گرفتن رویکردهای موجود درخصوص پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی و نیز این موضوع که جرایم حکومتی در غالب موارد ناشی از زمامداری نامطلوب حکومت‌ها است، شاخه‌های حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی مدنظر برای پاسخ‌دهی به این جرایم ارائه می‌شود.

### ۲.۱. الگوی حکمرانی خوب،<sup>۲</sup> تعریف و مؤلفه‌ها

#### ۲.۱.۱. تعریف

به لحاظ نظری، مفهوم «حکمرانی خوب» پس از تجربه ناموفق اجرای تئوری دولت‌های بزرگ و دولت‌های حداقلی به وجود آمد. این اصطلاح که برای نخستین بار در گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ میلادی ارائه شد، دربردارنده این مفهوم بود که ضعف در به‌کارگیری اصول

۱. همان.

۲. بدون شک، نظریه حکمرانی خوب نیز همانند هر نظریه دیگری، آماج نقدهای فراوانی قرار گرفته است. منتقدان وابسته بودن نهادهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به سیستم نئولیبرال، تلاش این نهادها در جهت تئوریزه کردن مبانی نظام نئولیبرال، افزایش شکاف بین طبقات غنی و ضعیف جوامع، استثمار و بهره‌کشی جوامع ضعیف‌تر و مواردی از این دست را به‌عنوان نقاط ضعف نظریه حکمرانی خوب و نهادهای ارائه‌کننده آن (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) بیان کرده‌اند (در این خصوص رک: روث و فردریکس، پیشین). هرچند ممکن است برخی از این نقدها وارد باشد، با این حال، در حال حاضر و با توجه به فقدان الگویی هدفمند که بتواند بدیلی برای الگوی به‌زمامداری در سطح بین‌المللی باشد، استفاده از این الگو یکی از راهکارهای عملی برای سنجش حکمرانی است. به‌علاوه، استفاده ایزاری از یک الگو نمی‌تواند و نباید موجب کنار گذاشته شدن آن الگو به‌طور کامل شود. به‌عنوان مثال، شفافیت-به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب- موضوعی است که در لزوم آن تردیدی وجود ندارد، ولو اینکه بعضی قدرت‌های جهانی با دستاویز قراردادن این مفهوم، برخی حکومت‌ها را به بهانه فقدان شفافیت مورد تحریم قرار دهند.

حکمرانی خوب از جمله مهم‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی است. هرچند این نظریه در ابتدا به‌عنوان پاسخی به چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی در جهان - و به‌خصوص در کشورهای آفریقایی - مطرح شد، با این حال به تدریج در سایر حوزه‌های اجتماعی - سیاسی نیز راه یافت و به‌سرعت به گفتمانی رایج در عرصه حکومت‌داری تبدیل شد.

درواقع هدف از ارائه مفهومی تحت عنوان حکمرانی خوب و تبیین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن، ایجاد قاعده‌مندسازی کنش‌های یک حکومت به‌منظور اجتناب از حکمرانی بد است. به عبارت دیگر، از آنجایی که حکمرانی به‌عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در تمامی سطوح تعریف شده است، از این رو خوب (مطلوب) یا بد (نامطلوب) بودن حکمرانی، بدون شک متضمن آثار و پیامدهای عمده‌ای در سطوح فردی، اجتماعی، سازمانی و ساختاری خواهد بود که کلیه کنشگران یک جامعه اعم از شهروندان، نهادهای دولتی و کنشگران غیردولتی را متأثر خواهد ساخت. از اینجاست که می‌توان بین مفهوم حکمرانی خوب (عدم وقوع جرم حکومتی) و حکمرانی بد (وقوع جرم حکومتی) ارتباطی متقابل برقرار نمود. بدین صورت که هر اندازه حکمرانی خوب و لوازم آن در یک کشور مستقر باشد، می‌توان امکان وقوع جرایم حکومتی در آن کشور را کمتر متصور شد و بالعکس.

## ۲.۱.۲. مؤلفه‌ها

بانک جهانی، حکمرانی خوب را در قالب مؤلفه‌های شش‌گانه ذیل بیان می‌کند:

(حق) اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات (قانون‌گذاری)، حاکمیت قانون و کنترل فساد.<sup>۱</sup> در این تعریف هر قدر ویژگی‌های مثبت نظیر حاکمیت قانون و اثربخشی دولت بالاتر و ویژگی‌های منفی نظیر بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی نیز مطلوب‌تر خواهد بود.<sup>۲</sup> از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی،

1. Christiane Arndt & Charles Oman. *The Politics of Governance Ratings*, Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance, 2008, p 11.

۲. میدری، احمد، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶، ۱۳۸۵، شماره ۲۲، ص ۲۶۵.

رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود.<sup>۱</sup> برخی نیز ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب را شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری دانسته‌اند.<sup>۲</sup> با این حال به نظر می‌رسد مؤلفه‌های هشت‌گانه ارائه‌شده توسط کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوسیه،<sup>۳</sup> به علت گسترده بودن و توجه به جنبه‌های مختلف کنش‌های حکومت، در قیاس با سایر تعاریف در قلمرو پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی کاربردی‌تر باشد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، عدالت (حقوق مساوی)، اثربخشی و کارایی، مسئولیت‌پذیری.

نکته قابل توجه دیگر در خصوص مؤلفه‌های ذکر شده حکمرانی خوب، ارتباط و پیوست آنها و نیز کارکرد متقابل و توأمان آن با یکدیگر است. به گونه‌ای که به‌عنوان مثال نمی‌توان بدون وجود مسئولیت‌پذیری، انتظار وجود پاسخگویی را داشت. همچنین نمی‌توان بدون وجود شفافیت انتظار حاکمیت قانون را متصور بود. بنابراین باید مؤلفه‌های حکمرانی خوب را به صورت مجموعه‌ای درهم‌تنیده و زنجیروار در نظر گرفت که نقصان یا عدم وجود هر یک از آنها باعث اخلال در حکمرانی خواهد شد. با این حال و با در نظر گرفتن ماهیت مؤلفه‌های حکمرانی خوب، بدون شک می‌توان به‌طور خاص بین برخی از این مؤلفه‌ها و برخی از گونه‌های جرایم حکومتی ارتباطی نزدیک و همسو مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، در جایی که شفافیت حاکم نیست، طبعاً میزان جرایم حکومتی اقتصادی<sup>۴</sup> بالاست یا در جایی که با فقدان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مواجه هستیم، جرایم حکومتی امنیتی نرخ بالایی دارد.

۱. حسینی تاش، سید علی، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۳۹۳، شماره ۲، ص ۱۰.

۲. زارعی، محمد حسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۷، ۱۳۸۳، شماره ۴۰، ص ۱۶۲.

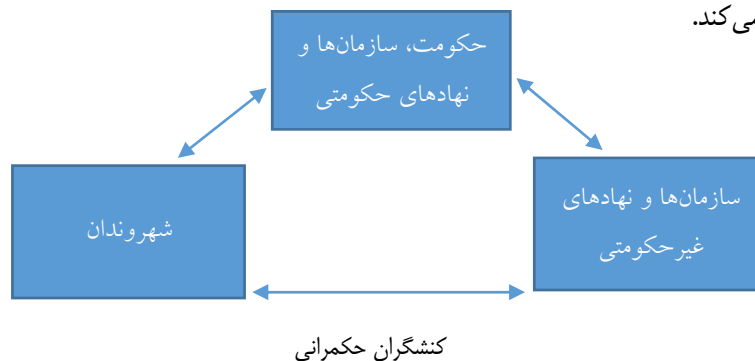
3. Economic and social commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

۴. بر اساس یک تقسیم‌بندی، جرایم حکومتی را می‌توان در پنج دسته اصلی قرار داد. نخست، جرایم اقتصادی حکومت نظیر جرایم حکومت- شرکت، انحصارگرایی، فساد اقتصادی و ...؛ دوم، جرایم سیاسی حکومت نظیر نقض حقوق اقلیت‌ها، فساد سیاسی و ...؛ سوم، جرایم امنیتی حکومت نظیر شنود غیرمجاز، بازداشت غیرقانونی و ...؛ ←

## ۲.۲. مبانی انتخاب الگوی حکمرانی مطلوب در پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی

### ۲.۲.۱. خاستگاه تئوریک

نخستین و شاید مهم‌ترین ویژگی نظریه حکمرانی خوب درخصوص پیشگیری از جرایم حکومتی، خاستگاه تئوریک آن است. منظور از خاستگاه تئوریک این نظریه، اساس و زیربنای اصلی آن است که موجب کارایی آن به‌عنوان رویکردی قوی برای تبیین حکمرانی مطلوب شده است. همان‌گونه که می‌دانیم، حکمرانی به‌عنوان «مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند»<sup>۱</sup> تعریف شده است که می‌تواند بر گستره وسیعی، از دولت‌ها گرفته تا سازمان‌های رسمی و غیررسمی، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و ... متمرکز باشد.<sup>۲</sup> در واقع حکمرانی محیطی است که در آن شهروندان در میان خود و با سازمان‌ها و مقامات دولتی/حکومتی تعامل دارند.<sup>۳</sup> بدین ترتیب حکمرانی مفهومی گسترده می‌یابد که از مفاهیم سنتی‌تری نظیر حکومت و حکومت‌کردن فراتر می‌رود و راه را برای کنشگری سایر کنشگران اجتماعی فراهم می‌کند.



→ چهارم، پلیسی - نظامی حکومت: شکنجه، نسل‌کشی، تروریسم حکومتی و ...؛ پنجم، جرایم زیست محیطی حکومت نظیر مخاطرات طبیعی، آلودگی محیط زیست و ...

1. Kaufman, D. Karry, A. Mastruzz, M. (2006) **Governance Matters V: Governance Indicators**, Available at: [www.worldbank.org/](http://www.worldbank.org/)

2. Bevir, M. (2013), *Governance: A Very Short Introduction*. Oxford University Press, Oxford, U, p 2.

۳. شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان، **رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای برگزیده**، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نهم، ۱۳۹۱، شماره ۲، ص ۵۸.



درواقع مبنای اصلی الگوی حکمرانی خوب، مشارکت فعال شهروندان، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در عرصه کشنگری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسئله از دو نظر حائز اهمیت است: نخست اینکه، برخلاف رویکرد جامعه مدنی روٹ و فردریکس، در الگوی حکمرانی خوب جامعه مدنی به‌عنوان نهادی مجزا و در مقابل حکومت دیده نمی‌شود، بلکه به‌رغم کنترل و نظارت بر کنش‌های حکومت، با آن تعامل، و سعی در نقش‌آفرینی فعالانه دارد. این کشنگری تا به حدی است که حتی برخی از نویسندگان، سازمان‌های مافیایی را نیز ذیل کنشگران شهری در نظریه حکمرانی ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> دوم اینکه، بر تعامل و کشنگری شهروندان به‌عنوان آماج‌های اصلی متضرر از جرم حکومتی تأکید دارد. علت تأکید خاص این نظریه بر مشارکت شهروندان و نهادهای غیردولتی را باید در خاستگاه تئوریک این نظریه جستجو کرد؛ چرا که با تجربه ناموفق اجرای تئوری دولت‌های بزرگ و دولت‌های حداقلی به وجود آمد و با قطع امید از کارکرد مجزای دولت‌ها، سعی در مشارکت دادن سایر کنشگران در عرصه اقدامات اجتماعی و ... داشت. از این‌روست که بسیاری از ارزش‌های ذکر شده در این نظریه، به‌منظور افزایش مشارکت شهروندان است. به‌عنوان مثال اصولی مانند حقوق بشر، افزایش مشارکت مدنی شهروندان و شفافیت تماماً در راستای تحقق حاکمیت جمهوری مردم است. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که روٹ و فردریکس ذیل عنوان جامعه مدنی از آن بحث می‌کنند؛ با این تفاوت که در رویکرد جامعه مدنی روٹ و فردریکس، جامعه مدنی نقشی منفک و مجزا دارد و به مثابه یک ضد عمل می‌کند. توجه به نقش شهروندان و نهادهای غیرحکومتی به‌عنوان زیرساخت اصلی نظریه حکمرانی خوب، از آنجا واجد اهمیت است که بدانیم در جرمی مانند فساد- که از دیدگاه بسیاری منشأ و زیربنای تمامی جرایم حکومتی است- شفافیت و نظارت خارج از ساختار حکومت، مهم‌ترین عامل کنترلی برای رفتارهای فاسد حکومت ذکر شده است.<sup>۲</sup>

یکی از سؤالات مهمی که ممکن است در این زمینه مطرح باشد، توجه بانک جهانی- به‌عنوان نخستین نهاد ارائه‌کننده مفهوم حکمرانی خوب- به آموزه‌های نئولیبرال و وابستگی این نهاد، به حکومت‌هایی نظیر ایالات متحده با سیاست‌های اقتصادی بازار آزاد است. در این حوزه،

۱. کمالی، یحیی، **حکمرانی خوب چیست**، فصلنامه تدبیر، ۱۳۸۸، شماره ۲۰۶، ص ۲۱.

۲. گرین و وارد، پیشین، صص ۱۷-۳۵.

همان‌گونه که بسیاری از منتقدان نیز بیان کرده‌اند، سیاست‌های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در عمل باعث تضعیف کشورها و افزایش شکاف بین طبقاتی در این کشورها شده که این مسئله به شدت با حکمرانی خوب در تضاد و تناقض است.<sup>۱</sup> در پاسخ به این ایراد بنیادین باید گفت، هرچند اصل این ایراد وارد است که سیاست‌های ارائه شده توسط نهادهای مالی بین‌المللی، تأثیر بسیاری بر تضعیف اقتصادهای کشورهای مختلف - و به ویژه کشورهای در حال گذار داشته است، با این حال همان‌گونه که در ابتدای این نوشتار نیز ذکر شد، پاسخ‌دهی به جرم حکومتی، تا حد زیادی مسئله‌ای فرهنگی و وابسته به مؤلفه‌ها و راهبردهای مختص به هر فرهنگ است. از این‌روست که در بررسی نقش مؤلفه‌های حکمرانی خوب در مقام پاسخ‌دهی به جرم حکومتی، باید هر مؤلفه و شاخصه را در بافت بومی و فرهنگی حکومت هدف، مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال، در صحت این گزاره شکی نیست که تعریف مؤلفه «عدالت» در یک نظام سوسیال‌دموکرات با یک نظام لیبرال و یک نظام مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بسیار متفاوت است. بنابراین استفاده از مفهوم عدالت برای پاسخ‌دهی به جرم حکومتی در یک حکومت خاص، باید عدالت را در بافت همان حکومت (کشور) مورد توجه قرار داد. هرچند شاید پذیرش تکثر تعریف از یک شاخصه با ادعای نظریه‌مندی و جهانی‌بودن شاخصه‌های حکمرانی خوب متعارض باشد، با این حال باید توجه داشت که این ایراد درخصوص هر نظریه دیگر نیز قابل طرح است. به عنوان مثال تعریف انحراف، جرم و بسیاری دیگر از مفاهیم بنیادین حقوق کیفری و جرم‌شناختی نسبی و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

#### ۲.۲.۲. دلالت مفهومی

پیدایش ادبیات مربوط به حکمرانی خوب، با گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ شروع شد. در این گزارش که ناشی از نگرانی‌های مرتبط با ارتباط بین توسعه، دموکراسی و موضوعات مختلف اجتماعی بود، مفهوم حکمرانی خوب مطرح شد. گزارش مذکور بر این باور بود که عدم توجه به اصول حکمرانی خوب، یکی از اصلی‌ترین علل ضعف و عقب‌ماندگی کشورها است و از این‌رو سه وظیفه مهم حکومت در قبال جامعه را این‌گونه برشمرد: الف) روابط توسعه‌ای: بدین معنا که دولت‌ها موظف‌اند با مدیریت اقتصاد به منظور نیل به حداکثر رشد اقتصادی، تغییرات

۱. روث و فردریکس، پیشین.

بنیادینی را در زمینه‌های مختلف ایجاد کنند؛ ب) روابط دموکراتیک و حقوق شهروندی؛ ج) حقوق اجتماعی و فراهم کردن زمینه مشارکت در امور مربوط به اداره کشور.<sup>۱</sup> در واقع دیوف و همکارانش با برشمردن وظیفه حکومت‌ها در قبال شهروندان، تخطی از این وظایف را معادل حکمرانی نامطوب (بد) و راهکار خروج از این حکمرانی نامطلوب را انجام وظایف حکومت‌ها دانسته‌اند. از این توضیحات به خوبی مشخص می‌شود که نقطه مقابل حکمرانی خوب، حکمرانی بد و به تبع آن جرم حکومتی است. در واقع همان‌گونه که بسیاری از جرم‌شناسان گفته‌اند، جرم حکومتی چیزی نیست جز «انحراف ساختاری حکومت...»<sup>۲</sup> از این رو این انحراف حکومت از وظایف و تکالیف خود، بالطبع یا موجب وقوع جرم حکومتی و یا با ایجاد آسیب به شهروندان، زمینه را برای تحقق جرایم دیگر فراهم می‌سازد. با این توضیحات، منظور از دلالت مفهومی حکمرانی خوب بر پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، این است که نقطه مقابل حکمرانی خوب، حکمرانی بد است. حکمرانی بد نیز در ادبیات علوم سیاسی همان بزهکاری حکومت و حکومت بزهکار<sup>۳</sup> در نظریه جرم حکومتی است.

### ۲.۳. عینیت‌گرایی

یکی از نقدهای وارد بر الگوهای ارائه‌شده به‌منظور پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، انتزاعی بودن و عدم توجه به واقعیت‌های عینی و علمی است. به‌عنوان مثال، هیچ‌کدام از الگوهای ارائه‌شده به‌وضوح میزان پیشرفت یک حکومت در شاخه‌های حکومت‌داری را ارائه نمی‌دهد. این در حالی است که شاخصه‌های ارائه‌شده در نظریه حکمرانی خوب علاوه بر عینیت‌گرایی، در اغلب موارد نیز با واقعیت‌های علمی سازگارند. به‌عنوان مثال، درخصوص کشوری مانند نیجریه، که از جمله کشورهای ثروتمند در زمینه منابع طبیعی و زیرزمینی است، آمارهای ارائه‌شده توسط بانک جهانی، در طول نزدیک به دو دهه گذشته (از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۶)، میانگین وضعیت این کشور را در شش مولفه پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت

۱. صباغ کرمانی، مجید و مهدی باسقا، نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، ۱۳۸۸، شماره ۶، ص ۱۱۰.  
۲. گرین و وارد، پیشین.

3. Criminal State

قانون و کنترل فساد، همواره نزدیک به منفی یک<sup>۱</sup> نشان داده‌اند و منطبق با این وضعیت نامطلوب حکمرانی، سازمان‌های حقوق بشری نظیر دیده‌بان حقوق بشر، عفو بین‌الملل و ... به موارد متعدد نقض حقوق بشر، خشونت، شکنجه، کشتار مخالفان، نقض حقوق شهروندان در این کشور، طی این سال‌ها اشاره کرده‌اند. همان گونه که جرم‌شناسان متعددی نیز به موارد متنوع جرایم حکومتی نظیر فساد، شکنجه، جرایم حکومت شرکت‌ها، جرایم پلیسی و مواردی از این دست اشاره کرده‌اند که توسط حکومت نیجریه علیه شهروندان نیجریه‌ای ارتکاب یافته است.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از زوایای این عینیت‌گرایی، امکان محاسبه سود و زیان، کاربست هرکدام از شاخصه‌های حکمرانی خوب و سنجش آنها در بلندمدت است. بدین گونه که با توجه به مفاهیم نسبتاً متأخر در حوزه علوم انسانی، نظیر نظریه بازی یا مفهوم توسعه پایدار، محاسبه سود و زیان، گاه به یک امر بلندمدت و پایدار تبدیل می‌شود. بسیاری از معیارهای حکمرانی خوب نقش پررنگی در استقرار یک رابطه پایدار و حاصل جمع مثبت میان حکومت و شهروندان دارد. اگرچه حکومت در کوتاه‌مدت از شفاف‌بودن با شهروندان نفعی نمی‌برد و این موارد می‌تواند در موارد بسیاری به ضرر حکومت هم عمل کند، اما در بلندمدت موجب پیش‌بینی‌پذیری حکومت از جانب شهروندان خواهد شد که به قابل‌اعتماد بودن و پایدار بودن این نهاد کمک خواهد کرد.

#### ۲.۴. راهبرد مداری و ارائه رهنمودهای اجرایی

همان گونه که گذشت، یکی از نقدهای اصلی به الگوهای ارائه‌شده درخصوص پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی، انتزاعی بودن این الگوها بود. به گونه‌ای که اغلب این الگوها، چیزی بیشتر از توصیه‌های انتزاعی یا حداکثر توصیه‌های اجرایی ولی غیرقابل‌سنجش ارائه نمی‌کردند. این در حالی است که الگوی به زمامداری، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... دارای رهنمودها و راهبردهای اجرایی و عملیاتی است که موجب شده این نظریه از یک الگوی تئوریک صرف فراتر رود. در ذیل برخی از مهم‌ترین راهبردهای اجرایی این نظریه ارائه شده است.

۱. آمارهای ارائه شده توسط بانک جهانی، شاخص هر کشور را نمره‌ای بین ۲/۵- و ۲/۵+ قرار داده است.

۲. گرین و وارد، پیشین.

توصیه‌های سیاستی نظریه حکمرانی خوب <sup>۱</sup>			
پاسخگویی بیشتر			رقابت گسترده‌تر
پاسخگویی بیرونی		پاسخگویی درونی	
اقدامات محلی	اقدامات ملی	تدابیر اداری	توازن قوا و نظارت ملی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترویج سازوکارهای بازخورد از مشتریان به ارائه‌کنندگان و انتشار نتایج.</li> <li>- افزایش رقابت در بین مؤسسات خدمات و عمومی و میان آنها با مؤسسات خصوصی.</li> <li>- حرکت به سمت واگذاری قدرت به مقامات منتخب محلی.</li> <li>- ایجاد فرصت برای مداخله انجمن‌های توانمند اجتماعی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آزادی بیشتر اطلاعات و افشای عمومی فعالیت‌های دولت.</li> <li>- برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه و قانونی.</li> <li>- دعوت به بحث و نقد عمومی سیاست‌ها توسط نمایندگان جامعه مدنی.</li> <li>- انتشار داده‌ها درباره کیفیت حکمرانی.</li> <li>- حمایت از رسانه‌های مستقل و با مسئولیت.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تقویت عملکرد گزایی شامل نظارت بر بودجه‌های دولتی.</li> <li>- اصلاح خدمات کشوری برای ارتقای خدمت‌گرایی و صلاحیت حرفه‌ای.</li> <li>- تقویت منابع و ظرفیت نهادهای محلی در طراحی، تطبیق و ارائه خدمات عمومی.</li> <li>- تضمین استقلال نهادهای تنظیم‌گر.</li> <li>- تقویت اخلاق خدمت‌رسانی به مردم در بخش عمومی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش اقتدار و توانمندی نظارتی مجلس بر قوه مجریه.</li> <li>- تضمین استقلال بیشتر قوه قضائیه.</li> <li>- افزایش توانایی حرفه‌ای مجلس و قوه قضائیه.</li> <li>- توانمندسازی سایر نهادهای نظارتی مستقل و سپردن حسابرسی به آنها.</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- حق رأی همگانی برای تمام مناصب انتخابی.</li> <li>- کاهش تبعیض در قوانین و مقررات.</li> <li>- گسترش سازوکارهای مشورتی دولت.</li> <li>- حمایت از سازمان‌های جامعه مدنی با پایگاه وسیع مردمی.</li> <li>- جلوگیری از برخورد تبعیضی با شهروندان در ارائه خدمات عمومی.</li> </ul>			

۱. میدری، پیشین، ص ۲۷۸.

رقابت گسترده‌تر و پاسخگویی بیشتر دو توصیه‌ی سیاستی در نظریه‌ی حکمرانی خوب هستند. منظور از رقابت، اعم از رقابت اقتصادی و سیاسی است. رقابت می‌تواند دایره‌ی انتخاب خریداران در حوزه‌ی اقتصاد یا دایره‌ی انتخاب شهروندان در حوزه‌ی سیاست را گسترش، و عرضه‌کنندگان (تولیدکنندگان یا حاکمان) را در معرض انتخاب تقاضاکنندگان قرار دهد.<sup>۱</sup> افزایش رقابت اقتصادی در کنار آثار مطلوب فراوان، می‌تواند از چیزی که آن را «انحصارگرایی به مثابه جرم حکومتی»<sup>۲</sup> می‌دانیم، نیز پیشگیری نماید. همچنین وجود رقابت سیاسی، باعث می‌شود کنشگران سیاسی، همواره خود را موظف به ارائه‌ی بهترین عملکرد به شهروندان ببینند و از هرگونه انحراف، چه در قالب فردی و چه در قالب سازمانی، اجتناب کنند.

پاسخگویی نیز در دو قلمرو پاسخگویی درونی و پاسخگویی بیرونی قابل طرح است. البته باید توجه داشت که منظور از پاسخگویی درونی و بیرونی، برخلاف نظریه‌ی گرابوسکی، پاسخگویی به نهادهای فراملی و بین‌المللی نیست. بلکه منظور از پاسخگویی درونی، ایجاد سازوکارهایی به منظور پاسخگویی درون‌نهادی حاکمیتی و به صورت ساختاری است و منظور از پاسخگویی بیرونی، ایجاد سازوکارهایی برای پاسخگو نمودن حاکمیت به شهروندان خود و نهادهای غیردولتی است. این سازوکارها می‌تواند در قالب رعایت اصل تفکیک قوا، استقلال قوای سه‌گانه و به‌طور خاص قوه‌ی قضائیه، اعمال نظارت بر قوای مختلف از طریق سازوکارهای قانونی، واگذاری قدرت به نهادهای غیردولتی به‌منظور کاهش تصدی‌گری حکومت و کاستن از قدرت بلامنازع آن و افزایش مشارکت شهروندان در فعالیتهای ساختاری حکومت و ... است که همه‌ی این موارد در کنار هم می‌تواند منجر به مهار قدرت حکومت و افزایش نظارت بر فعالیت‌ها و اقدامات آن شده تا در نهایت به پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر حکومت‌ها منجر گردد.

۱. همان.

۲. انحصارگرایی به مثابه جرم حکومتی بدین معنا است که در بسیاری از حکومت‌ها، حکومت تعمداً و بدون هیچ توجه امنیتی (در خصوص اقلام نظامی)، یا اقتصادی (در موارد حمایت از تولید داخلی)، اقدام به ایجاد انحصار در یک یا چند کالای خاص می‌کند در این حالت یا حکومت رأساً مبادرت به تولید این کالاها می‌کند (جرم حکومتی در معنای اخص) و یا از یک یا چند شرکت خاص که تولیدکننده‌ی انحصاری آن کالا هستند، حمایت می‌کند (جرم حکومت - شرکت) و به ارائه‌ی یارانه و تدابیر حمایتی برای آن شرکت‌ها، مانع از رقابت سایرین با این شرکت‌ها می‌شود. این مسئله در نهایت منجر به کاهش کیفیت تولیدات شده و نیز موجب می‌شوند که شهروندان مجبور باشند هر کالایی را با هر کیفیتی خریداری نمایند.

### نتیجه‌گیری

هرچند از ورود مفهومی تحت عنوان «جرم حکومتی» به ادبیات جرم‌شناختی کمتر از سه دهه می‌گذرد، با این حال از چندین دهه قبل از آن، جرم‌شناسان بدون اینکه به این مفهوم اشاره کنند، سعی در ارائه راهکارها و الگوهایی به منظور کنترل و پاسخ‌دهی به رفتارهای آسیب‌زای حکومت، نهادهای حکومتی/ دولتی و کارگزاران این نهادها داشته‌اند. مهم‌ترین رویکردهای موجود در این زمینه نیز رویکرد پنج‌عاملی کامفورت، رویکرد کنترل نهادهای جرم‌زای حکومت، رویکرد شش‌عاملی گرابوسکی و رویکرد جامعه‌مدنی روث و فردریکس است. به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در این قلمرو، حداقل از نظر توجه به لزوم پاسخ‌دهی به کنش‌های انحرافی و آسیب‌زای حکومت‌ها، با این حال عدم تفکیک صحیح بین جرایم حکومت‌ها و جرایم کارگزاران حکومتی، عدم نظریه‌مندی و فقدان رویکرد عینی و هنجارمند به راهکارهای ارائه‌شده برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی و ... سبب شده است که این نظریات بیش از آنکه جنبه اجرایی و کارکردی به خود گیرند، در همان سطح آکادمیک - و نه اجرایی - باقی بمانند.

در این راستا و به‌عنوان نظریه جایگزین که فاقد ضعف‌های نظریه‌های پیشین باشد، الگوی به‌زمانمندی و نظریه حکمرانی خوب، سازوکار و الگویی هنجارمند و کاربردی قلمداد شده است که در پرتو اصول و مؤلفه‌های آن می‌توان نسبت به کنترل و پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی اقدام نمود. اهم ویژگی‌های این نظریه که سبب کارایی آن در راستای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی است، به قرار ذیل می‌باشد.

- خارج ساختن روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از قدرت حکومت و وارد ساختن شهروندان و کنشگران جامعه مدنی به عرصه کنشگری فعال در سطح جامعه و حکومت‌داری از طریق ترویج مطالبه‌گری.
- پاسخ‌خواهی و الزام حکومت‌ها به پاسخگویی فعالانه به شهروندان و جامعه مدنی.
- ارائه رهنمودهای عینی، ملموس و اجرایی در راستای تحقق حکمرانی مطلوب در جامعه.
- توجه به یافته‌های عینی و علمی، به گونه‌ای که از سال ۱۹۹۶ تاکنون، بانک جهانی به‌صورت منظم هر ساله نسبت به بررسی و انتشار میزان تحقق مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای جهان اقدام می‌نماید. این مسئله امکان بررسی عینی میزان پیشرفت یا پسرفت هر حکومت در عرصه حکمرانی مطلوب را فراهم می‌نماید.

- در نظر گرفتن حکومت به عنوان یک کل به منظور کنترل و پاسخ‌دهی به سوءرفتارهای این کل. این نکته از آنجا حائز اهمیت است که نظریه‌های پیشین، حداکثر به کنش‌های مقامات حکومتی توجه داشتند نه به کنش‌های حکومت به مثابه یک کل. بنابراین الگوی به زمام‌داری با کاربست مؤلفه‌های مندرج در آن نظیر شفافیت، حکومت قانون، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و مطالبه‌گری، از شاخصه‌های یک الگوی مؤثر و کارآمد برخوردار است که می‌توان آن را پیش‌نیاز لازم برای پاسخ‌دهی به جرایم حکومتی نیز دانست.



## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. انجمن روان‌پزشکی آمریکا، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*، ترجمه فرزین رضاعی، سیدعلی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوفری، ژانت هاشمی آذر، فرهاد شاملو. تهران: انتشارات ارجمند، ۱۳۹۳.
۲. گرین، پنی و تونی وارد، *جرم حکومتی؛ دولت‌ها، خشونت و فساد*، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران، انتشارات مجد، ۱۴۰۰.
۳. روث، داون ال و کازلاریچ، دیوید، *بزه‌دیدہ‌شناسی جرم حکومتی*، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۹.
۴. روث، داون ال و دیوید کازلاریچ، *پاسخ به جرم حکومتی*، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۰.
۵. روث، داون ال و دیوید او فردریکس، *جرایم جهانی شدن؛ جرم حکومتی و نهادهای مالی بین‌المللی*، ترجمه نبی‌اله غلامی و علی غلامی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۶. ویلیامز، فرانک پی و مارل لین‌دی مک شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.

## مقاله

۷. باقرزاده، محمد رضا، *بحثی درباره مسئولیت کیفری دولت*، فصلنامه معرفت، ۱۳۷۹، شماره ۳۶، صص ۴۳-۵۱.
۸. حسینی تاش، سید علی، *حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)*، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۳۹۳، شماره ۲، صص ۲۸-۷.
۹. کمالی، یحیی، *حکمرانی خوب چیست*، فصلنامه تدبیر، ۱۳۸۸، شماره ۲۰۶، صص ۳-۱.

۱۰. زارعی، محمد حسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۷، ۱۳۸۳، شماره ۴۰، صص ۲۰۲-۱۵۵.
۱۱. شاه آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان، رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای برگزیده، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نهم، ۱۳۹۱، شماره ۲، صص ۷۵-۵۳.
۱۲. صباغ کرمانی، مجید و مهدی باسرخا، نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، ۱۳۸۸، شماره ۸۶، صص ۱۳۰-۱۰۹.
۱۳. غلامی، نبی‌اله و محمود عباسی، درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره هفتم، ۱۳۹۶، شماره ۲۴، صص ۸۳-۹۷.
۱۴. غلامی، حسین و غلامی، نبی‌اله، خوانشی تلفیقی از مفهوم جرم و نقش آن در کاربست تدابیر پیشگیرانه برای جرایم حکومتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، ۱۳۹۹، شماره ۸۹، صص ۳۳-۵۸.
۱۵. غلامی، حسین و غلامی، نبی‌اله، جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، ۱۳۹۹، شماره ۲، صص ۴۹۷-۵۱۸.
۱۶. میدری، احمد، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶، ۱۳۸۵، شماره ۲۲، صص ۲۸۷-۲۶۱.

## رساله

۱۷. غلامی، نبی‌اله، «پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب»، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸.

## ب) منابع انگلیسی

**Books**

18. Bevir, M. (2013), *Governance: A Very Short Introduction*. Oxford University Press, Oxford, UK.
19. Comfort, Alex (1950) *Authority and Delinquency in the Modern State*. London: Routledge and Kegan Paul.
20. Christiane Arndt & Charles Oman, (2008), *The Politics of Governance Ratings*, Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.
21. Hurwitz, Leon (1981) *The State as Defendant*. Westport, CT: Greenwood Press.
22. Kelman, Herbert C , and V. Lee Hamilton. 1989. *Crimes of Obedience*. New Haven, CT: Yale University Press.
23. Ross, JI (2014), *Controlling State Crime: Toward an Integrated Structural Model*. Controlling State Crime. Second Edition. Edit By Jeffrey Ian Ross, Routledge, London and New York.

**Articles**

24. Kaufman, D. Karry, A. Mastruzz, M. (2006) Governance Matters V: Covnenance Indicators, Avaliable at: [www.worldbank.org/](http://www.worldbank.org/)
25. Wilson, James Q., and Patricia Rachel (1977). Can the Government Regulate Itself. *The Public Interest* 46:, pp 3-14.

